

کتابخانه

۱۵
در تاریخ هنر و معماری ایران زمین
فصلنامه، سال پنجم، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۵)
بهار ۱۳۸۸



t.me/asmaaneh
asmaaneh.com

گلستان

در تاریخ هنر و معماری ایران زمین

فصلنامه، سال پنجم، شماره ۱ (شماره پیاپی ۱۵)، بهار ۱۳۸۸
شاپا: ۳۸۹۰-۱۷۳۵
دارای اعتبار علمی- پژوهشی از نظر فرهنگستان‌های چهارگانه جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: میرحسین موسوی
سر دبیر: مهرداد قیومی بیدهندی

اعضای هیئت تحریریه:
یعقوب آژند استاد دانشگاه تهران
زهره اهری استادیار دانشگاه شهید بهشتی
شهرام پازوکی دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
اکبر حاجی‌ابراهیم زرگر استاد دانشگاه شهید بهشتی
سیدمهدی حسینی استاد دانشگاه هنر و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
محمد رضا رحیم‌زاده استادیار دانشگاه شهید بهشتی
زهره رهنورد استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
مهرداد قیومی بیدهندی استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته فرهنگستان هنر
هایده لاله استادیار دانشگاه تهران
هادی ندیمی استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم

ویراستاران: ولی‌الله کاوسی، مهدی گلچین عارفی، مهدی مقیسه
مترجم خلاصه انگلیسی: مریم قیومی
طراح جلد: پارسا بهشتی
امور دفتری: طیبہ ایللیات

لیتوگرافی: فرارنگ
چاپ و صحافی: شادرنگ؛ کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج،
بعد از چهارراه ایران خودرو، خ ۴۹، ک دوم، ش ۸،
تلفن: ۴۴۱۹۴۴۴۲

نشانی دفتر مجله: تهران، خ ولی‌عصر (ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،
کد پستی ۱۵۱۱۹۱۳۵۱۱
تلفن و دورنگار: ۸۸۷۲۸۱۵۲
نشانی شبکه: www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm
پست الکترونیک سردبیر: Qayyoomi@eiah.org

مهرداد قیومی بیدهندی ♦ سخنی در منابع مکتوب تاریخ معماری ایران و شیوه جستجو در آنها ♦ ۵

فرهاد نظری ♦ کتاب عکس علی خان والی ♦ ۲۱

عمادالدین شیخ‌الحکمایی، محمودرضا جعفریان ♦ کتابچه برآورد مخارج راه‌سازی مازندران از حسین‌قلی قاجار مهندس ♦ ۳۶

فرهاد تهرانی، شیما بکاء ♦ معرفی و تحلیل نخستین نقشه مسطحه شهر تهران ♦ ۴۵

محمد مهدی عبدالله‌زاده ♦ معمار دوره گذار، نگاهی به خاطرات ممتحن‌الدوله ♦ ۵۳

سیدحسین رضوی برقی ♦ معماری حمام در متون طب کهن و مقدمه رساله دلاکیه ♦ ۶۴

فاطمه گلدار ♦ مقام و مصداق‌های آن در سفرنامه ناصر خسرو ♦ ۷۱

مهدی مکی‌نژاد ♦ کاشی‌کاران گمنام دوره قاجاریه (۲): خاندان خاک‌نگار مقدم ♦ ۸۰

عباس حسینی ♦ بچه‌خوانی، نخستین کتاب‌های مصور کودک و فرهنگ عامه در ایران ♦ ۸۷

علیرضا اسماعیلی ♦ نور علی برومند، گنجینه موسیقی ایرانی، به روایت اسناد ♦ ۹۷

حسین عصمتی ♦ تأثیر ادبیات حماسی فارسی بر نگارگری ایرانی ♦ ۱۰۷



◆ **گلستان هنر** فصلنامه‌ای است پژوهشی در زمینه تاریخ هنر و مطالعات تاریخی هنر و معماری حوزه تمدنی ایران بزرگ، که در هر فصل منتشر می‌شود.

◆ **مقالات گلستان هنر** مبنی آراء صاحبان آنهاست.

◆ هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر **گلستان هنر** فقط با ذکر مأخذ بلامانع است.

◆ **گلستان هنر** در این موضوع‌ها مقاله می‌پذیرد:

مبانی نظری تاریخ هنر، روش‌های تاریخ‌نویسی هنر، منابع تاریخ هنر ایران، مطالعات تاریخی موازیت هنری حوزه تمدنی ایران بزرگ (جهان ایرانی)، مطالعات تاریخی هنرهای معاصر ایران، نقد و بررسی کتاب و مقاله در زمینه تاریخ هنر، معرفی کتاب در زمینه تاریخ هنر.

◆ مقاله را به یکی از این نشانی‌ها بفرستید:

۱. Qayyoomi@ciah.org

۲. دورنگار: ۸۸ ۷۲ ۸۱ ۵۲

۳. با پست سفارشی یا پیمشتاز به نشانی:

تهران، خ. ولی عصر(ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،

کد پستی ۱۵ ۱۱۹ ۱۳ ۵۱۱

◆ پاسخ داوری مقاله حداکثر ۶۰ روز پس از رسیدن به دفتر مجله از طریق پست الکترونیکی یا دورنگار به صاحب مقاله اعلام می‌شود.

◆ لطفاً در تنظیم مقاله به این نکته‌ها توجه کنید:

- مقاله‌تان را حداکثر در ۶۰۰۰ کلمه (در حدود ۲۰ صفحه تایپ‌شده)

در قالب Word یا Open Office یا InDesign تهیه کنید.

- هر مقاله باید چکیده داشته باشد؛ حداکثر در ۲۵۰ کلمه.

- مأخذ هر نوع نقل قول، مستقیم یا غیرمستقیم، را به دقت ذکر کنید.

- از ارجاع به روش درون‌متنی (نظام نویسنده- تاریخ) خودداری کنید.

کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها

پ صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)

ت تصویر؛ شکل؛ نمودار؛ جدول

ج جلد

چ نوبت چاپ

ح در حدود

حک حکومت

ر صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)

ر-پ صفحه رو و پشت (در نسخه خطی / عکسی)

س سطر

سم سانتی‌متر

ش شماره (قبل از عدد)؛ هجری شمسی (بعد از رقم)

ص صفحه؛ صفحات

ف فوت

ق هجری قمری (بعد از رقم)

ق م قبل از میلاد مسیح (بعد از رقم)

گ برگ

م میلادی (بعد از رقم)

م م میلی‌متر

- م مترجم

نک: نگاه کنید به؛ رجوع کنید به

و ولادت

- و. ویراستار

همان همان مؤلف و همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

همان‌جا همان اثر و همان صفحه (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

/ یا؛ جداکننده دو مصرع از یک بیت

[] مشخص‌کننده افزوده‌های نویسنده یا مترجم یا ویراستار به متن منقول

{ } مشخص‌کننده افزوده‌های نویسنده یا مترجم یا مصحح اول در مطالب نقل در نقل

- تکرار نام مؤلف (در کتاب‌نامه)

- مشخصات مختصر هر منبع (نویسنده، نام کتاب یا مقاله، جلد و صفحه)

را در پی‌نوشت و مشخصات کامل آن را در کتاب‌نامه بیاورید.

- از به‌کاربردن حروف غیرفارسی در متن مقاله خودداری و آنها را به

پانویشت منتقل کنید؛ مگر در مباحث واژه‌شناسی.

- معادل اصطلاحات غیرفارسی یا اصطلاحات نامأنوس را در پانویشت

بیاورید (عنداللزوم همراه با توضیح).

- اعلام غیرفارسی را، به زبان اصلی و از روی منابع معتبر به همراه

تاریخ ولادت و وفات کسان، در پانویشت بیاورید.

- کلمات مهجور را اعراب‌گذاری یا آوانویسی کنید.

- در رسم‌الخط از دستور خط فارسی (مصوب فرهنگستان زبان و ادب

فارسی) پیروی کنید.

- در مورد متن ترجمه‌شده، اصل متن را نیز، با ذکر دقیق مأخذ آن، به

ترجمه پیوست کنید.

- در متون ترجمه‌شده، زیرنویس هر نوع تصویر و نمودار و جدول را

ترجمه کنید؛ و در متون تألیفی، برای هر نوع تصویر و نمودار و جدول

شرح بیاورید.

- افزوده‌های نویسنده یا مترجم در عبارات منقول را در میان

کروشه [] بیاورید.

- در مطالب منقول، افزوده‌های مؤلف یا مترجم یا مصحح اول را در

میان آکولاد { } بیاورید.

- مطالب منقول را در میان گیومه روی سطر « » بیاورید.

- مطالب نقل در نقل در میان گیومه بالای سطر ‘ ’ بیاورید.

- در موارد لازم، از راهنمای کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌های زیر استفاده

کنید.

- تصاویر مقاله را به صورت پرونده رایانه‌ای همراه مقاله تحویل دهید و

در مقاله، شرح آنها را با ذکر مأخذ تصویر بنویسید.

- تصاویر باید در قالب tiff و دقت دست‌کم ۳۰۰ dpi تهیه شده باشد.

A.D. بعد از میلاد مسیح

B.C. قبل از میلاد مسیح

c. در حدود، در حوالی

ch. فصل

ed. ویراستار؛ مصحح

eds. ویراستاران؛ مصححان

f. و بعد؛ صفحه بعد

ff. و بعد؛ صفحات بعد

fig. تصویر

figs. تصاویر

ibid. همان مؤلف و همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر و بلافاصله به اثری)

no. شماره

nos. شماره‌های

p. صفحه

pp. صفحات

pl. لوحه

pls. لوحه‌ها

r. صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)

trans. ترجمه

v. صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)

vol. جلد

vols. جلد‌ها

تأثیر ادبیات حماسی فارسی بر نگارگری ایرانی

شاخه‌های مختلف هنر اسلامی در طی تاریخ همواره ارتباطی تنگاتنگ داشته و در کنار یکدیگر به کمال رسیده‌اند. هنرمندان نیز با حرکت در مسیری مشترک و با رابطه‌ای متقابل زمینه‌تعالی این هنرها را فراهم کرده‌اند. نگارگری از جمله هنرهایی است که از این ویژگی بهره برده و در طول زمان به کمال رسیده است. این هنر غالباً هم‌نشین ادبیات و خوشنویسی بوده و این هم‌نشینی اثرهایی ژرف در پی داشته است.

ادبیات، به سبب ارتباط با کلام، ماهیتی مجردتر از نگارگری دارد؛ اما آنچه را در نگارگری ظهور می‌کند نمی‌توان با تمام جزئیات در شعر دید. شعر حتی اگر با توصیف مفصل جزئیات همراه شود، باز به سبب ماهیتش معانی را به اجمال بیان می‌کند. اما در نگارگری جلوه‌های مشهود در مظاهری محسوس و مفصل قابلیت ظهور می‌یابد. بنا بر این، برای درک چگونگی کارآمدی نگارگری در تصویر کردن معانی نهفته در حماسه، آشنایی با ادبیات مخصوصاً ادبیات حماسی و ساختار ظاهری و باطنی آن ضروری است.

ساختار ادبیات حماسی اثری انکارناپذیر بر آثار نگارگری و حتی هنرمند نگارگر داشته است؛ آن‌چنان‌که اصول اخلاقی حاکم بر قهرمانان حماسه‌ها موجب می‌شود که نگارگر با روح فتوت و جوانمردی خو بگیرد و آثار او، اعم از حماسی و غیرحماسی، سرشار از رنگ‌وبوی حماسی شود.

در نگارگری برگرفته از ادب حماسی، اگرچه نگاره همچون شعر در بند شخصیت‌ها و روایت حماسه است، نگارگر عناصر بصری و ویژگی‌هایی را که برای بیان معانی متعالی در هنر نگارگری هست به کار می‌گیرد تا باطن مستور حماسه را آشکار کند. از آنجا که او خود را وارث و حافظ حماسه می‌داند، به مضامین اشعار به منزله منبع اولیه الهام وفادار می‌ماند؛ اما در همان حال می‌کوشد با عبور از ظاهر ابیات، معانی والای مختلفی را که در بطن حماسه است به زبان نگارگری بیان کند. ذات نگارگری اقتضا می‌کند که همه عناصر نگاره، اعم از شکل و بافت و رنگ و خط و نقطه، جلوه‌ای از حماسه داشته باشد. این جلوه که با لطف تغزل درآمیخته است، صورتی از کمال به نگاره داده و آن را برای ادای معانی والا مستعد و قابل ساخته است. از این رو، در نگارگری می‌توان آثار

نگارگری ایرانی همواره در کنار ادبیات فارسی و متأثر از آن بوده است. در این میان، ادبیات حماسی نزد نگارگران جایگاهی ویژه داشته و شاخص‌ترین اثر آن، *شاهنامه فردوسی*، بارها به دست ایشان به تصویر درآمده است. بر اثر ارتباط درازمدت هنرمندان با *شاهنامه* و آشنایی آنان با جزئیات و ویژگی‌های اشعار آن، آثار نگارگری به جلوه‌هایی متناسب با بیان حماسی رسیده است. این جلوه‌ها را در وجوه مختلف نگاره‌ها می‌توان مشاهده و بررسی کرد. فنون و صنایع ادبی به‌کار رفته در اشعار و فضایل و رذایل اخلاقی قهرمانان *شاهنامه*، همچنین ویژگی‌هایی چون وزن اشعار حماسی، اغراق شاعرانه، بیان داستان‌های هم‌زمان، نبرد خیر و شر، و جاودانگی از مواردی است که معادل تصویری آنها را در نگارگری می‌توان دید.



شاهنامه که رستم جنگی در پیش دارد، نبرد را با یاد و ستایش خدا آغاز می‌کند و با حمد و ثنای او به پایان می‌برد. رستم هر پیروزی‌اش را نه از تلاش خود، بلکه از لطف پروردگار می‌داند. رستم در این راه خود را از خود تهی و وجودش را مجلای ظهور تقدیر الهی کرده است. هنرمند نگارگر با آگاهی از این معنی تمهیدی اندیشیده و هر گاه رستم را در نبردی به تصویر در آورده، چهره او را آرام و خالی از هر حالتی کشیده است. می‌دانیم که اجزای چهره در چنین احوالی درهم فرورفته و منقبض می‌شود؛ اما در آثار نگارگری، چهره رستم حالتی آرام و گشوده دارد؛ چنان‌که گویی هیچ‌گونه فشار جسمانی بر او وارد نشده است (ت ۱).

۲. جاودانگی

از دیگر ویژگی‌های اجتماعی و اخلاقی داستان‌های حماسی جاودانگی است. در این آثار، قهرمانان یا دارای جاودانگی‌اند یا در پی کسب آن‌اند. این معنی در شاهنامه از عالم ظاهر به باطن و از باطن به ظاهر در دگرگونی است. هرچند آثار حماسی در ظاهر به زمان و مکان خاصی تعلق دارد، در باطن افق زمان و مکان را می‌شکند و امری جاودانه را یادآوری می‌کند. حماسه در وضع نخستین خود برگرفته از رویدادی تاریخی است که در دوره‌های بعد با غلبه اساطیر وضع تاریخی‌اش دگرگون شده است. اساساً هر حکایتی، از حماسی و جز آن، در ظاهر به رویداد تاریخی خاصی باز می‌گردد و در باطن به عالم ثبات و زمان باقی.

از این ویژگی دو نوع تعبیر می‌توان کرد: تعبیری ظاهری و صوری و تعبیری حقیقی و معنوی. در تعبیر ظاهری می‌توان از حماسه‌هایی یاد کرد که قهرمانان آن به دنبال زندگی جاودان، یا در جستجوی آب حیات و گیاه جاودانگی‌اند و در تعبیر معنوی که مشخصاً در حماسه‌های اسلامی جلوه‌گر است، جاودانگی، یا به تعبیر عرفا بقا در عین فنا، را می‌طلبند. این ویژگی در نگاره‌ها سخت اثر کرده و در همه وجوه و جنبه‌های نگارگری نفوذ کرده و جزء جدایی‌ناپذیر آن شده است.

در نگاره‌ها، طراحی شکل‌ها بر محوری منحنی و دایره‌گون صورت می‌پذیرد. تصویر گل‌ها و گیاهان و جانوران و آدمیان همه بر نظام دایره است. با طراحی

حماسی را، از خشن‌ترین مضامین تا لطیف‌ترین جلوه‌های عرفانی و عاشقانه، به تصویر درآورد.

ویژگی‌های ادبیات حماسی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش نخست مربوط است به ساختار کلی ادبیات حماسی، که صنایع و فنون ادبی را در بر می‌گیرد؛ بخش دیگر درباره فضایل اخلاقی و معنوی است که در قالب کردار قهرمانان حماسه معرف طرز نگرش فرهنگی معین به امور مختلف عالم است؛ به تعبیر دیگر، بیانگر نوع سیر و سلوک هر قوم است.

در بررسی صنایع و فنون ادبی با ویژگی‌هایی چون وزن و اغراق شاعرانه و بیان داستان‌های هم‌زمان، و در بررسی ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی حماسه، با نکته‌هایی چون جاودانگی و تقابل میان خیر و شر و اسطوره و فضایل اخلاقی قهرمانان و اثر آنان بر ساختار کلی و طراحی جزئیات سروکار داریم.

۱. فضایل اخلاقی قهرمانان

یکی از ویژگی‌هایی که بر نگاره‌های حماسی اثر مستقیم داشته فضایل اخلاقی قهرمانان است. در بخش‌هایی از

ت ۲. (چپ)
سلطان محمد، بارگاه
کیومرث، شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق

ت ۳. (راست)
سلطان محمد، به بند
کشیدن ضحاک،
شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق



شکل‌ها بر پایهٔ نظام دایره‌وار، می‌کوشند که جواهر اشیا را تصویر کنند. از سوی دیگر، ترکیب‌ها بر اساس نظام هندسهٔ اسلامی قوام می‌یابد که خود برخاسته از نظام دایره است و فضایی ایجاد می‌کند که بهترین عرصهٔ تصویر کردن معنای بقا و جاودانگی است. نوع تصویر کردن همهٔ عناصر یگانهٔ هر نگاره، از شکل انسان و جانوران و گیاهان و حتی جمادات، نیز کوششی است در به تصویر آوردن امور ثابت و بی‌تغییر. بافت و شکل صخره‌ها و نیز حالت چابک و سرزندهٔ انسان‌ها و جانوران و حتی گیاهان، که در نهایت طراوات و استحکام است، نشانه‌ای از رهایی از تاریخ مقید و سیر به عالم معناست؛ و اگرچه از عالم طبیعت خارج نیست، طبیعت محض را هم نمایش نمی‌دهد. صورت انسان‌هایی که از میان صخره‌ها سر برآورده‌اند و استقرار آنان در طبیعت جلوهٔ کهن این آثار را بیشتر می‌نمایند؛ چنان‌که گویی وجودی همیشگی داشته‌اند و خواهند داشت و محدودهٔ زمان و مکان را درنوردیده‌اند (ت ۲).

ابرها هم، که به ساده‌ترین شکل تصویر شده‌اند، در واقع دوایری متعدد و در هم گره‌خورده‌اند و حرکاتی پیچیده را تداعی می‌کنند که گاه در هم فرومی‌روند و در خود می‌پیچند و گاه طغیان می‌کنند و به جهتی باز می‌شوند و به حرکت در می‌آیند (ت ۳). سیمرغ با پنجه‌ها و منقاری نیرومند همچون عقاب، و با بال‌های رنگارنگ و زیبایی چون طاووس و بزرگ‌تر از عقاب به تصویر درمی‌آید و در مجموع نشان از پرنده‌ای کامل با صفاتی متعالی دارد و بدین‌سان، از نقصان و فناپذیری به دور است. همهٔ این موجودات و عناصر به شکل‌هایی ساده تبدیل شده‌اند که تماماً نشان‌دهندهٔ این حقیقت است که نگارگری یادآور جاودانگی و میل به بقاست و بدین طریق از زمان و مکان فانی، که از الزامات تاریخ است،

۳. خیر و شر

از دیگر ویژگی‌های مهم آثار حماسی تقابل خیر و شر یا حق و باطل است. غلبهٔ خیر بر شر از کهن‌ترین آرزوهای بشر است که در زندگی اجتماعی نمودی آشکار داشته است. سرایندگان اشعار حماسی با ارائهٔ خصایل اخلاقی ویژهٔ هریک سعی در تفکیک این دو نیرو داشته‌اند. قهرمانان داستان در زیر لوای هر گروه که بودند، ویژگی‌های همان گروه را کسب می‌کردند. جدال خیر و شر جنبه‌های گوناگونی دارد که در نبردها و اعمال انسان‌ها جلوه می‌کند. به همین سبب، سرایندگان این آثار برای نشان دادن این دو جبهه، از عناصر و پدیده‌هایی استفاده کرده‌اند. در شاهنامه فره ایزدی و سروش خجسته از نمادهای خیر؛ و دیو و اهریمن و اژدها از نمادهای شر محسوب می‌شود:



ت ۴. (راست، بالا)
عبدالعزیز (منسوب)،
نبرد چنگش با
رستم، شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق

ت ۵. (راست، پایین)
سلطان محمد (منسوب)،
رای زدن زال با
موبدان، شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق

ت ۶. (چپ، بالا)
گرفتار شدن پیران
ویسه، شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق

ت ۷. (چپ، پایین)
سلطان محمد، به بند
کشیدن ضحاک.
شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق



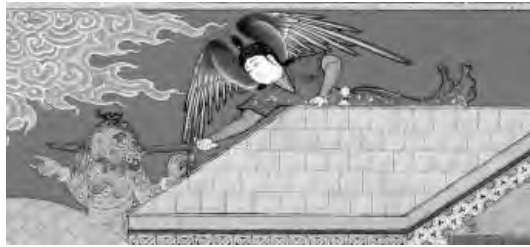
تو مر دیو را مردم بد شناس
هر آن کو ز یزدان ندارد سپاس

هنرمندان نگارگر برای این منظور از عناصر رنگ و شکل و بافت و ... بهره برده و برای القا و بیان چنین صفاتی بر قابلیت نگارگری افزوده‌اند. گذشته از قابلیت که در ساختار نگارگری، خصوصاً به لحاظ حماسی هست؛ در این نگاره‌ها به تبع آثار حماسی نمادها و نشانه‌هایی

برای نمایش خیر و شر ایجاد کرده و آنها را به تناسب موضوع به کار گرفته‌اند. بدین‌سان، نقش سیمرغ نماد نیروی خیر و فره ایزدی و نقش اژدها یادآور نیروی شر بوده است. زین اسب‌ها، سایبان‌ها، دیوارها، و ... محملی برای نقش عناصر نمادین و طرح جلوه‌های خیر و شر است (ت ۴-۷). در برخی نگاره‌ها، برای نشان دادن نیروی شر از حضور دیوها نیز بهره گرفته و در مقابل برای نیروی خیر از حضور فرشته (سروش خجسته) استفاده کرده‌اند (ت ۸ و ۹).

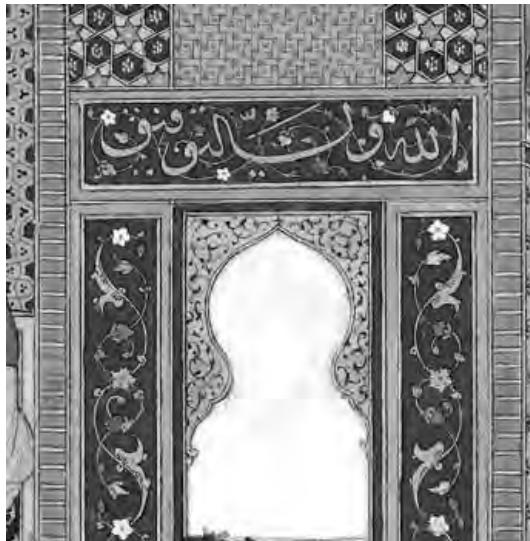
یکی دیگر از عناصری که حضور نیروی خیر را نشان یا آن را بشارت می‌دهد و همچنین باعث تطهیر قهرمانان مثبت داستان و موجب تعالی شأن اساطیری آنان می‌گردد، اذکار یا دعاهاست که روی پرچم‌ها و

ت ۸. (راست، بالا)
سلطان محمد، رستن
مار بر دوش ضحاک.
شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق



ت ۹. (چپ، بالا)
فریدون با کندور وکیل
ضحاک. شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق

ت ۱۰. (راست، پایین)
کشته شدن ارجاسب به
دست اسفندیار. شاهنامه
بایسنقر، ۸۳۳ق

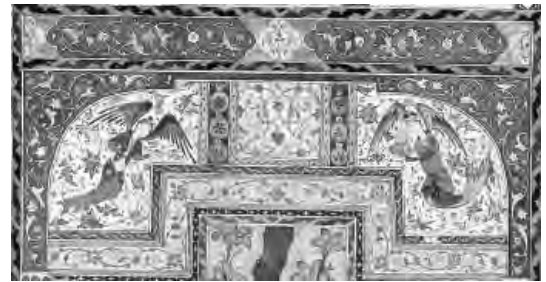


ت ۱۱. (چپ، وسط)
فریدون با کندور وکیل
ضحاک. شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق

ت ۱۲. (چپ، پایین)
جنگ اسکندر با
فورهندی. شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق



هیجان و شور حماسی را برمی‌انگیزد. بحر «فعولن فعولن فعل» برای این نوع شعر و روایت مناسب‌ترین آهنگ است؛ و اگر وزن دیگری برای آن انتخاب شود، طنین و روح حماسی را به مخاطب منتقل نخواهد کرد و باعث کاهش اثر حقیقت حماسه می‌گردد؛ چراکه در میان



کتابخانه قصرها و سردر خانه‌ها نوشته‌اند. در بیشتر خانه‌ها و قصرهایی که متعلق به نیروی خیر است یا به تصرف اهل خیر در آمده یا نشان نزدیکی فتح آنان است، چنین عباراتی را می‌توان دید: «یا مفتوح الابواب» (ت ۱۰)، «الله ولی التوفیق» (ت ۱۱)، «انا فتحنا لك فتحاً مبیناً» (ت ۱۲). همچنین نگارگر به وسیله نوع پوشش و سلاح و جنگ‌افزار نیز سعی در تطهیر این اساطیر داشته و از این رو پوشش قهرمانان را از لباس رزم مسلمانان به عاریت گرفته است. از سوی دیگر، با چنین شیوه‌ای درگیری و تقابل همیشگی نیروی خیر و شر را نمایان می‌کند و از محدوده زمان و مکان فراتر می‌رود.

ویژگی دیگر شیوه به‌کارگیری رنگ است. حماسه محل آشکار شدن مرزها و جدایی حق از باطل است. رنگ‌های زنده با تضاد شدید که آنها را به شکل مسطح در کنار هم نشانده و با خطی تیره جدایی آنها را تشدید کرده‌اند این ویژگی آثار ادبی حماسی را تداعی می‌کند. حتی زمانی که تصویری از شب آمده است، باز هم رنگ‌ها با همان درخشندگی و مرزها به همان شدت آشکار می‌گردند.

۴. بحر و وزن
از ویژگی‌های آثار حماسی، وزن و آهنگ اشعار است که



ت ۱۳. (چپ) جنگ
رستم با کاموس.
شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ ق

ت ۱۴. (راست)،
بالا) شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ ق

ت ۱۵. (راست، پایین)
قاسم علی، رهام
دست جادو را قطع
می‌کند. شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ ق



حماسی است. بافت‌هایی که در اجزایی چون صخره‌ها به کار رفته فضایی بکر و اسطوره‌ای پدید آورده که همچون وزن اشعار مخاطب را به گستره‌ای خیال‌انگیز می‌کشاند. ترکیب این صخره‌ها با حرکت ابرها و بافت آنها بر تأثیر این ویژگی آثار می‌افزاید (ت ۱۳-۱۵).

۵. بیان داستان‌ها یا موضوعات هم‌زمان

از دیگر ویژگی‌های شعر حماسی که در قالب مثنوی است روایت رویدادهای هم‌زمان و پراکنده است. در فن شعر ارسطو در این باره چنین آمده است:

برخلاف تراژدی که به قصد نمایش نگاشته می‌شود، حماسه از آن جهت که متضمن نقل و روایت است می‌تواند اجزاء مختلف داستان را که مقارن زمان اصلی حادثه وقوع می‌یابند توصیف کند. این اجزای مختلف اگر به موضوع اصلی داستان ارتباط داشته باشد موجب تفصیل شعر می‌شود، به‌طوری که این مزیت هم بر اثر شاعر عظمت و وسعت می‌بخشد و هم شنونده را از لذت تنوع محظوظ می‌کند و هم تنوع و تعدد حوادثی که به هم شباهت ندارد را سبب می‌شود.^۲

همهٔ بحور، این بحر قابلیت بیشتری برای القا و تبیین روایت حماسی، با همهٔ ویژگی‌هایش، را دارد.^۱ ذات موضوع حماسی است که چنین وزنی می‌طلبد. طبعاً وزن اشعار در انتخاب واژگان و عبارات نیز مؤثر است و بدین صورت القای روح حماسی مضاعف می‌شود.

ترکیب و ساختار در نگاره‌نظیر وزن در شعر حماسی است. اجزای مختلف در ترکیب، از شکل و رنگ و بافت و دیگر عناصر تصویر، ویژگی‌های این وزن را القا می‌کند. نگارگر، همچون شاعر که در انتخاب واژگان و عبارات متأثر از وزن است، بنا بر موضوع و ساختار کلی آثار حماسی در انتخاب اجزای گزینه‌های مشخصی در پیش رو دارد. چگونگی استقرار این اجزا در کنار یکدیگر، حرکت پیکرهای انسان‌ها و جانوران، گزینش رنگ‌ها، حرکت خطی نیزه‌ها و پرچم‌ها و آلات موسیقی جنگ، حرکت ابرها در آسمان، و شکل صخره‌ها معادل‌های تصویری وزن

ت ۱۶. (چپ)
عبدالصمد، کشته شدن
خسرو پرویز، شاهنامه
شاه طهماسب، ۹۴۴ق

ت ۱۷. (راست)
عبدالعزیز، دین
کاروانیان زال
را. شاهنامه شاه
طهماسب، ۹۴۴ق



همه اجزا و داستان‌های مختلف حماسه وحدت دارند و هدفی مشخص را دنبال می‌کنند. می‌توان گفت که داستان‌هایی که در حکایتی حماسی بیان می‌شوند مجموعاً یک حماسه منسجم را تشکیل می‌دهند. در همین حال، هر داستان و هر بخش از حماسه را می‌توان به تنهایی داستانی مستقل شمرد.

این ویژگی در نگاره‌ها نیز مشاهده می‌شود. نگارگر چندین داستان یا رویداد را در یک اثر می‌گنجاند و بدین‌سان تصویری کامل‌تر و جامع‌تر از روایت به دست می‌دهد. این‌گونه برخورد با اثر از مواردی است که موجب می‌شود نگارگر نگاه خود را از عالم سه‌بعدی جدا و به دنیای مسطح و دوبعدی نزدیک‌تر کند.

از جمله این آثار، نگاره کشته شدن خسرو پرویز است (ت ۱۶)، که چند صحنه در یک نگاره گنجانده شده است. در اینجا در حالی که شیرویه خنجر را در سینه خسرو پرویز فرو برده، چند صحنه از نگهبانانی که به خواب رفته‌اند و خادمان دربار که هریک به کار هرروزه خود مشغول است و زنان و مردانی که جام‌هایی را دست به دست می‌گردانند، همه به گونه‌ای تصویر شده‌اند که گویی از حادثه در حال وقوع بی‌خبرند.

۶. اغراق شاعرانه

اغراق شاعرانه نیز از ویژگی‌های شعر حماسی است که باعث می‌شود حماسه از سطح رویدادی طبیعی و معمول فراتر رود. فردوسی از این ویژگی به‌خوبی بهره برده و بدین لحاظ اثر خود را تعالی بخشیده است.^۳ اغراق شاعرانه در داستان‌های حماسی جای بسیاری از تصویرها

را می‌گیرد و شاعر با استفاده از این صورت خیال بر جنبه‌های حماسی اثر می‌افزاید. نگاره‌های حماسی نیز از این ویژگی برخوردار است. این اغراق در خدمت شکل دادن به فضایی بکر قرار می‌گیرد؛ بدین صورت که با استفاده از آن شکل و رنگ بی‌مانند و یگانه‌ای پدید می‌آید که به القای چنین فضایی می‌پردازد. طراحی و رنگ‌آمیزی صخره‌ها متضمن نوعی اغراق است که بر جنبه حماسی آنها می‌افزاید. این صخره‌ها، به‌رغم استحکام و عظمت، چنان انعطافی دارند که هر لحظه به جهتی خم می‌شوند و دریایی موج و خروشان می‌نمایند که همراه باد به این سو و آن سو حرکت می‌کنند و به همین سبب قابلیت تکمیل فضا و هماهنگی سایر اشکال را می‌یابند. فردوسی نیز چنین اغراقی را به کار برده و در وصف عظمت رستم در هفت خوان از زبان کاووس شاه چنین آورده است:

اگر جنگ دریا کنی خون شود
از آواز تو کوه هامون شود

در اینجا کوه از عظمت رستم به هامون بدل می‌شود.

درباره افراسیاب نیز چنین می‌گوید:

شود کوه آهن چو دریای آب
اگر بشنود نام افراسیاب

استفاده از چنین اغراق‌هایی در زبان شعر طبیعی می‌نماید؛ اما برای چنین بیانی در تصویر باید تمهیداتی به کار برد که به اغراق شاعرانه نزدیک شود و در عین استحکام، سیال بودن کوه نیز تداعی شود. در تصویر ۱۷، زال بر صخره‌ای نشسته که در عین اینکه دارای بافت



چنان که گویی بارانی خونین در راه است. در اشعار نیز
چنین اغراق‌هایی را فراوان می‌توان دید:

فزاینده باد آوردگاه
فشانده خون ز ابر سیاه
چو نیزه قلم شد به گرز و به تیغ
همین خون چکانید مانند میغ
ز زخم سنان‌های الماس‌گون
تو گفתי همی بارد از ابر خون

نتیجه

برای دستیابی به مبانی و مبادی شکل‌گیری آثار هنری
هر قوم، باید آنها را در دل بسترهایی مطالعه کرد که از
آن برخاسته‌اند. در بررسی آثار نگارگری ایرانی نیز باید
چنین کرد. بر اساس آنچه گفتیم، ادب فارسی بی‌تردید
در همه جوانب تأثیری ژرف بر نگارگری داشته است.
نگارگری اسلامی ایرانی در کنار ادب حماسی و عرفانی،
چه نظم و چه نثر، به این بالندگی رسیده و کلام موزون و
ناموزون را به عرصه تصویر کشیده و به آن تجسم بخشیده
است. □

کتاب‌نامه

- ارسطو. فن شعر. ترجمه عبدالحسین زرین‌کوب. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.
شفیعی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران:
آگاه، ۱۳۵۸.
صفا، ذبیح‌الله. حماسه‌سرایی در ایران. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹.
هانزن، کورت هاینریش. شاهنامه فردوسی: ساختار و قالب. ترجمه
کیکائوس جهان‌داری. تهران: فرزانه روز، ۱۳۸۴.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ارسطو، فن شعر، ص ۱۰۰.
۲. همان، ص ۹۹.
۳. محمدرضا شفیع کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، ص ۴۴۶.

و استحکام صخره است، همچون مرتفع‌ترین امواج دریا
می‌نماید. درختان مواج با پیچ‌وتاب‌های روان و بال و پر
سیمرغ با شکلی سیال به تصویر درآمده و رنگ‌های آبی
و بنفش صخره‌ها و سیمرغ بر این ویژگی تأکید کرده
است. در نگاره‌ای دیگر، جنگ‌جویی را می‌توان دید که با
ضربه سنگین شمشیری به دو نیم شده و فواره‌ای از خون
او به بیرون جهیده است (ت ۱۸).

به زخم اندر آمد همی فوج فوج
بر آن‌سان که برخیزد از آب موج

ظاهراً چنین اغراق‌هایی دور از ذهن است؛ اما
شاعر و نگارگر برای تأکید بر جنبه‌های حماسی اثر چنین
اغراق‌هایی را بسیار به کار برده و کوشیده‌اند با بیان امور
خارق عادت بر تأثیر فضای حماسی اثر بیفزایند. مثلاً
در برخی نگاره‌ها، ابرهایی سرخ‌رنگ به تصویر درآمده؛

Golestān-e Honar

Quarterly on the History of Iranian Art
and Architecture
Vol. 5, No. 1 (Serial no.: 15)
Spring 2009



t.me/asmaaneh
asmaaneh.com

Golestān-e Honar

Quarterly on the History of Iranian Art
and Architecture

Vol. 5, No. 1 (Serial no.: 15), Spring 2009

Licence Holder: **The Iranian Academy of Art**

Editorial Director: **Mir-Hossein Moossavi**

Editor-in Chief: **Mehrdad Qayyoomi Bidhendi**
(Qayyoomi@eiah.org)

Golestān-e Honar Quarterly,
No. 1105, Vali-Asr St.,
Tehran 15 119 13 511, IRAN

Tel. & Fax: (+ 98 21) 88 72 81 52
www.honar.ac.ir/en/golestanehonar.htm



t.me/asmaaneh
asmaneh.com